

رهبر انقلاب با توجه به پیروزی حماس
بر زنده بودن مقاومت تأکید کردند

آنچه دنیا دید شبیه افسانه بود

۲

وضعیت نوار غزه پس از آتش بس
از نظر اجتماعی و سیاسی چطور خواهد بود؟

شهر در دست حماس

۸

استعفای دومینووار مسئولان صهیونیست
ادامه دارد، نفر بعدی نتانیا هو است؟

هشت اکتبر

۷

به اصل ۴۴ عمل نکردند

۲

اولین مستند با موضوع «کی پاپ» ساخته شد، اما نتوانست آن طور که باید در سوزه عمیق شود

پارازیت روی موج گُرهای

۱۲



«فرهنگستان» در گفت وگو با اکبر نصراللهی جزئیات برگزاری هفتمین جشنواره قلم را بررسی کرد

با تقویت شبکه نشریات دانشجویی
می توان به مقابله با جریان تحریف رفت

۴

چرا ترامپ هوک و پمپئو را کنار گذاشت؟

پارسال دوست امسال هیچی

۷



چگونه

«خطای محاسباتی ترامپ» را به هم بزنیم؟



مهدی خاتمی زاده

یادداشت

شخصیت غیرقابل پیش بینی رئیس جمهور جدید آمریکا باعث شده تا انجام یک بازی طراحی شده به منظور جلب نظر او برای پیشبرد برخی سناریوها، به یکی از زوال های همیشگی در میان اطرافیان دونالد ترامپ تبدیل شود؛ روندی که در دوره نخست ریاست جمهوری او آرمایش شد و حالا از روز اول برای ترامپ نسخه ۲ هم در نظر گرفته شده است. بر همین اساس، بازخوانی روندی که نهایتاً منجر به ترور شهید قاسم سلیمانی در ماه های پایانی سال ۱۳۹۸ به دستور مستقیم رئیس جمهور ایالات متحده شد، می تواند ابزار مناسبی برای تحلیل روندهای کنونی و زمینه سازی برای تغییر در فضا سازی های جریان غربی علیه کشورمان باشد. پس از رویدادهای آبان ۹۸ و اتفاقات تلخی که در کشورمان رخ داد، رسانه های آمریکایی با طراحی هدایت شده از سوی برخی سیاستمداران - نظیر جرد کوشر، داماد ترامپ - دست به انجام موبی از عملیات روانی علیه ایران زدند. خیرگزاری انگلیسی رویترز اولین جرقه را با انتشار خبر دروغ و بی مبنای «کشته شدن ۱۵۰۰ نفر در جریان حوادث آبان ماه» روشن کرد؛ خبری که خیلی زود مشخص شد منبع اطلاعاتی آن، گروهک تروریستی منافقین بوده است، اما نهایتاً تأثیر خود را بر فضای سیاسی آمریکا گذاشت. در گام بعد، برخی دیگر از رسانه های جریان اصلی غربی اقدام به انتشار روایت های مخدوش و خیالی از ضعف ایران در مقابله با حوادث آبان ماه کردند؛ مطالبی نظیر اینکه مقامات ارشد ایران به شدت از این رویدادها ترسیده اند و خواستار پوشاندن این ضعف با برخورد قهری نیروهای نظامی شده اند که نهایتاً منجر به کشته شدن همان «۱۵۰۰ نفر خیالی» شده است. در چنین بستری، اطرافیان رئیس جمهور وقت ایالات متحده توانستند او را مجاب کنند که ایران در وضعیت نامناسب و وضعیتی قرار دارد که می توان یک ضربه بزرگ و جدی به آن وارد کرد؛ ضربه ای در حد ترور فرمانده محبوب و پرنفوذ نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. در واقع اراده سیاسی ترامپ برای انجام این عملیات ترور، ناشی از فرایند و فضا سازی پیش از آن بود که ایران را ضعیف و در دفاع از خود ناتوان نمایش می داد. خاطراتی که از «جان بولتون» و «مایک پمپئو»، از اطرافیان آن زمان ترامپ، منتشر شده مؤید این مدعا است که از ابتدا برنامه ای برای ترور شهید سلیمانی در دستور کار ترامپ قرار نداشته اما با چنین زمینه سازی ای، نهایتاً او اقتناع شده که دست به این اقدام بزند.

ادامه در صفحه ۷

اولین تجربه کارگردانی بهرام افشاری نتوانسته مخاطب را سرگرم کند

۱۶

